

پژوهش علوم سیاسی

شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۵، صص ۱۴۶-۱۱۹

دریافت: ۸۴/۱۱/۱، پذیرش: ۸۴/۱۲/۲۲

اینترنت و توسعه سیاسی: حوزه عمومی در فضای سایبرنتیک

محمدقلی میناوند*

چکیده

در طی آخرین دهه قرن بیستم، همراه با توسعه و تکامل فوق‌العاده سریع ارتباطات رایانه‌ای و گسترش روزافزون دسترسی مردم جوامع مختلف به اینترنت و شبکه‌های رایانه‌ای، کوشش‌های نظری بسیاری صرف یافتن الگوهای مناسب برای مطالعه اینترنت و ابعاد و تأثیرات سیاسی و اجتماعی آن گردید. در جریان این تلاش‌ها مفهوم حوزه عمومی در چارچوب نظریات جامعه‌شناختی یورگن هابرماس جایگاه برجسته‌ای یافته است. پژوهشگران در این زمینه معمولاً درصدد پاسخگویی به این سؤال بوده‌اند که آیا ارتباطات رایانه‌ای در اینترنت می‌تواند زمینه توسعه سیاسی و تقویت دموکراسی را از طریق احیای حوزه عمومی فراهم سازد؟ پاسخ دادن به این سؤال قبل از هر چیز نیازمند آن است که بدانیم آیا اصولاً ایده حوزه عمومی مدل نظری مناسبی برای پژوهش در این زمینه است یا خیر؟ کارهای نظری و پژوهش‌های انجام شده طی سال‌های اخیر که به برخی از آن‌ها در این مقاله اشاره شده است هر یک بعضی از ابعاد مفهوم حوزه عمومی را مورد توجه قرار داده و آن را در بررسی رابطه اینترنت با سیاست و قدرت و تأثیرات متقابل آن‌ها به کار برده‌اند. از این بررسی‌ها چنین برمی‌آید که مفهوم حوزه عمومی از نظر اکثر محققان الگوی نظری مناسبی است ولی به جز موارد معدودی، همه نویسندگان این الگو را نیازمند جرح و تعدیل و یا تطبیق با شرایط خاص ارتباطات رایانه‌ای و تحولات اخیر در جوامع گوناگون می‌دانند.

واژگان کلیدی: اینترنت، حوزه عمومی، دموکراسی، سخن‌آزمایی، هابرماس.

یکی از مهمترین وجوه عملکرد رسانه‌ها، اعم از سنتی و مدرن، تأثیرات مثبت و منفی آن‌ها در عرصه تولید و توزیع و اعمال قدرت سیاسی است. به همین سبب نقش ارتباطات^۱ و رسانه‌های گروهی در زندگی سیاسی، به ویژه تأثیر این پدیده‌ها در توسعه سیاسی و رشد و تعمیق مردم‌سالاری از دیرباز مورد توجه محققان حوزه‌های سیاست و ارتباطات بوده است. این موضوع یکی از نقاط پیوند رشته‌های علوم سیاسی و ارتباطات به شمار می‌آید؛ از این رو تحقیق در این زمینه عمدتاً ماهیتی میان رشته‌ای دارد. در واقع مفهوم بنیادین و وحدت بخش علم سیاست و زیر رشته‌های آن نظیر جامعه‌شناسی سیاسی و ارتباطات سیاسی مفهوم «قدرت»^۲ است، مفهومی که به رغم نقدها و مباحثات گسترده در باره آن، همچنان جایگاه خود را به عنوان هسته و مفهوم محوری علم سیاست حفظ کرده است. از دیدگاه ارتباطات سیاسی، قدرت مفهومی سیال و بین‌ذهنی^۳ است که شکل و عملکردش در جوامع، محصول چگونگی ارتباط ذهنی و عینی افقی میان افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی - سیاسی و ارتباط عمودی بین مردم و دولت است (موتی پالمر و دیگران، ۱۳۶۷: ۳۸-۴۶). در این نگرش، قدرت به معنای نحوه تولید، توزیع و کاربرد اطلاعات و دانش در جامعه و سلسله مراتب سیاسی و اجتماعی ناشی از آن است. از آن جا که در دوران مدرن، به ویژه طی یک قرن گذشته رسانه‌های جمعی به ابزارهای اصلی و بسیار مؤثر تولید و توزیع و کاربرد اطلاعات در جوامع مبدل شده‌اند، بررسی نوع و میزان و چگونگی این فرآیند جایگاه برجسته‌ای در مطالعات علمی دارد.

«آدام‌لیک»^۴ یکی از علمای ارتباطات سیاسی در باره رابطه اطلاعات و ارتباطات با توسعه سیاسی و مردم‌سالاری، می‌نویسد: «هدف دموکراسی در اصل دسترسی مردم به قدرت سیاسی و کنترلش به دست آنان است و در این عرصه دسترسی بیشتر به اطلاعات، دستمایه تحقق دموکراسی اصیل است. زیرا این امر شهروند معمولی را قادر می‌سازد تا به مشارکت آگاهانه در سیاست بپردازد» (Lake, 1995:4).

1. Communications.
2. Power.
3. Intersubjective.
4. Adam Lake.

امروزه تحولی تازه و بسیار گسترده در عرصه ارتباطات و اطلاع‌رسانی در حال وقوع است که چشم‌انداز کاملاً تازه و متفاوتی با مفهوم، عملکرد و تأثیر رسانه در برابر پژوهشگران قرار داده است. این تحول که بسیاری آن را انقلابی در عرصه ارتباطات و شروع پارادایم جدیدی در زندگی جوامع امروزی می‌خوانند، ظهور و توسعه بسیار سریع و حیرت‌آور فن‌آوری‌های جدید ارتباطی در جهان امروز است که در طول زمانی کوتاه در سراسر جهان گسترش یافته است و مهمترین شکل و نمایان‌ترین محصول آن، شبکه اینترنت و «تار جهان گستر»^۱ است. شبکه اینترنت که تنها در عرض چند سال صدها میلیون نفر از مردم جهان را در کشورهای مختلف در ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با یکدیگر قرار داده است، ظرفیت‌ها و امکانات فوق‌العاده و بی‌سابقه‌ای برای ارتباط زنده و دوسویه میان افراد، گروه‌ها، سازمان‌های مدنی و دولت‌ها ارائه نموده و این امر موجب شده است تا موج تازه‌ای از تحرک علمی و آکادمیک در رشته‌های مختلف از جمله رشته‌های علوم سیاسی و ارتباطات برای مطالعه آن آغاز شود. مباحثات جدی و گسترده علمی در باره ماهیت، خط سیر و تأثیر انقلاب ارتباطات و شروع عصر دیجیتال در زندگی افراد و جوامع، امروزه جان تازه‌ای به تحقیقات ارتباطات و رسانه‌ها و نقش آن‌ها در سیاست بخشیده است.

یکی از عوامل توجه روزافزون پژوهشگران علوم سیاسی به این پدیده نقشی است که شبکه اینترنت و تار جهان گستر می‌توانند در رشد و تقویت دموکراسی و مشارکت سیاسی به شیوه‌هایی کاملاً نو در جوامع مختلف داشته باشند. این توانایی به دلیل ویژگی‌هایی چون تعاملی بودن^۲، همزمانی ارتباط^۳، فراگیر بودن^۴ و متمرکز نبودن^۵ شبکه اینترنت است که آن را از رسانه‌های جمعی سنتی نظیر مطبوعات و رادیو و تلویزیون متمایز می‌سازد.

امروزه پدیده انقلاب ارتباطات و محصول کاملاً شناخته شده آن یعنی اینترنت در حال ایجاد

1. World Wide Web (WWW).
2. Interactivity.
3. Real Time.
4. Ubiquity.
5. Decentrality.

تغییرات اساسی و وسیعی در ماهیت و اشکال و ساختارهای قدرت در جوامع مختلف اعم از پیشرفته و در حال توسعه است و این امر پژوهشگران را به پرسش درباره میزان و چگونگی این تغییرات و تأثیرات کنونی و آتی اینترنت بر زندگی سیاسی جوامع و رابطه بین دولت‌ها و شهروندان واداشته است.

این مقاله نیز برای مشارکت در یافتن پاسخی به این سؤال است که آیا انواع و شیوه‌های ارتباطات میان افراد، گروه‌ها، نهادهای سیاسی و مدنی و سرانجام دولت‌ها در اینترنت را می‌توان بر اساس مدلی برگرفته از ایده «حوزه عمومی»^۱ در نظریات هابرماس^۲ تحلیل و تبیین کرد؟ به عبارت دیگر نظریه حوزه عمومی هابرماس تا چه اندازه در تبیین و توضیح علمی ارتباطات رایانه‌ای و ابعاد و آثار سیاسی آن‌ها کارآیی و توانایی دارد؟ سؤال دیگری که در خلال این نوشتار در پی پاسخ به آن خواهیم بود این است: مطالعات آکامیک و پژوهش‌های علمی که در سال‌های اخیر درباره نقش و تأثیر سیاسی و اجتماعی اینترنت و ارتباطات رایانه‌ای با استفاده از مدل حوزه عمومی به انجام رسیده، از چه روش‌ها و معیارهایی سود برده؛ چه دستاوردهایی داشته و در تبیین موضوع تا چه حد موفق بوده است؟

در بخش اول مقاله ابتدا به بررسی و ارائه شمایی کلی از مفهوم حوزه عمومی در چارچوب «نظریه کنش ارتباطی»^۳ هابرماس خواهیم پرداخت. در بخش بعدی شبکه اینترنت و انواع شیوه‌ها و امکانات ارتباطی در آن و ویژگی‌های متمایز آن در مقایسه با رسانه‌های سنتی را مرور خواهیم کرد. در ادامه بحث پژوهش‌ها و مطالعاتی را که از مدل نظری حوزه نظری برای تبیین ارتباطات سیاسی و اجتماعی در اینترنت و شبکه‌های رایانه‌ای بهره گرفته‌اند، مرور خواهیم کرد. در پایان مقاله نتایج حاصل از این بررسی‌ها برای پاسخ دادن به پرسش‌های اصلی مقاله ارائه خواهد شد.

هابرماس و نظریه حوزه عمومی

در میان نویسندگان مکتب انتقادی یورگن هابرماس جایگاه برجسته‌ای دارد. وی اگر چه به

1. Public Sphere.
2. Jurgen Habermas.
3. Communicative Action Theory.

«مکتب فرانکفورت»^۱ تعلق دارد، ولی برخلاف غالب نویسندگان این مکتب معتقد به دیدگاهی جبری و بدبینانه از سرمایه‌داری متأخر نیست و راه دستیابی به افق‌های تازه‌ای از دموکراسی و مشارکت واقعی مردم در نظام سیاسی و غلبه بر محدودیت‌های نظام سرمایه‌داری را بسته نمی‌بیند.

مهمترین بحث‌های هابرماس در باره نقش و تأثیر سیاسی رسانه‌ها در نظام‌های دموکراتیک را می‌توان در نخستین اثر معروف وی با عنوان «تحول ساختاری حوزه عمومی» (۱۹۶۲)، ترجمه انگلیسی (۱۹۸۹) مشاهده کرد. در این اثر هابرماس با فرمول‌بندی تازه‌ای از مفهوم شناخته شده حوزه عمومی از طریق مطالعه تحولات جوامع بورژوا - لیبرال اروپایی در قرون هفدهم و هیجدهم میلادی، نقشی مؤثر و مثبت برای رسانه‌های گروهی در رشد و تقویت حوزه عمومی در مراحل اولیه آن قائل شد، نقشی که بعدها با غلبه قدرت‌های اقتصادی و سیاسی کاهش یافت و عملاً منجر به آن چه گردید که وی «مستعمره شدن»^۲ این عرصه خواند.

هابرماس به رغم تعلق به مکتب فرانکفورت، امکان خروج از شرایط محدود کننده و سرکوبگر نظام سرمایه‌داری را رد نمی‌کند. بلکه می‌کوشد تا بر بدبینی و دلسردی حاکم بر مکتب فرانکفورت غلبه نموده، با ادغام و سنتز سنت‌های فکری و فلسفی مختلف چشم انداز تازه‌ای برای رهایی از اجزای سرمایه‌داری عرضه کند؛ ایده هابرماسی حوزه عمومی در این روند رهایی‌بخش، جایگاه اساسی دارد. در واقع هابرماس با نظریات خود مفهوم حوزه عمومی را به شکلی نوین وارد عرصه مطالعات سیاسی از جمله در زمینه ارتباطات و رسانه کرد و از این رو نقش وی در احیای مطالعات رسانه با ارجاع به مفهوم حوزه عمومی طی دهه‌های اخیر غیرقابل انکار است. تناسب و غنای نظریات هابرماس در زمینه ارتباطات انسانی بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران علوم اجتماعی به ویژه در علوم سیاسی و ارتباطات را بر آن داشته است که از نظریات وی در عرصه مطالعات مربوط به رسانه‌های نوین، فرهنگ توده‌ای، مشارکت سیاسی و تغییرات سیاسی، رهایی انسان و دموکراسی رادیکال استفاده کنند.

1. Frankfurt School.

2. Feudalization.

در عین حال طی دهه نود میلادی گسترش روزافزون شبکه‌های رایانه‌ای و اینترنت، به مطالعات رسانه و ارتباطات که پیش از آن تا حدی به علل مختلف دچار رکود شده بود جان تازه‌ای بخشید و در موج شتابان مطالعه، پژوهش و نظریه‌پردازی درباره این پدیده جدید ارتباطی در علوم انسانی، مفهوم حوزه عمومی به روایت هابرماسی آن به چارچوب بسیاری از تحلیل و بررسی‌های علمی و آکادمیک مبدل شد.

حوزه عمومی در واقع ایده یا مفهومی هنجاری^۱ است که در چارچوب کلی نظریات هابرماس درباره کنش ارتباطی و اخلاق گفتگو^۲ جای دارد. به نظر هابرس حوزه عمومی بخشی از حیات اجتماعی است که در آن شهروندان می‌توانند به تبادل نظر در باره موضوعات و مسائل مهم مربوط به خیر عمومی (مصالح عامه) بپردازند. نتیجه این امر شکل‌گیری افکار عمومی است (Velibeyoglu, 1999:2).

هابرماس خود حوزه عمومی را چنین تعریف می‌نماید: «مقصود ما از حوزه عمومی قبل از هر چیز قلمروی از زندگی اجتماعی ماست که در آن آن چه به افکار عمومی منجر می‌شود می‌تواند شکل بگیرد». در هر گفتگویی که در آن افراد خصوصی برای ایجاد مجمعی عمومی گرد هم می‌آیند بخشی از حوزه عمومی به وجود می‌آید (Habermas, 1989:27).

در حوزه عمومی افراد نه برای کسب و کار گفتگو می‌کنند و نه در مقام اعضای نهادهای قانونی یا دولتی (Habermas, 1974:74). از نظر هابرماس حوزه عمومی عرصه حضور و مشارکت آزادانه و برابر همه شهروندان در گفتگوی جمعی در جامعه دموکراتیک است. در این عرصه گفتگو بر اساس معیار عقلانیت انجام می‌شود و ماهیت رهایی بخش عقل جمعی در آن تجلی پیدا می‌کند. هابرماس در «تحول ساختاری حوزه عمومی» چگونگی ظهور و افول حوزه عمومی بورژوازی را در جوامع سرمایه‌داری اروپایی قرون هیجده و نوزده بررسی و تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که غلبه منافع خصوصی و قدرت سیاسی نهادی (دولت) چگونه به افول حوزه عمومی در این جوامع انجامید.

1. Normative.

2. Discourse Ethics.

وی حوزه عمومی را متعلق به «زیست جهان»^۱ اجتماعی می‌داند و افول آن را ناشی از غلبه «سیستم» بر «زیست جهان» معرفی می‌نماید (Pusey, 1987: 105-109).

شرایط عام گفتگو در حوزه عمومی

گفتگو در حوزه عمومی هنگامی نقش رهایی بخش خود را ایفا خواهد کرد که شرایط خاصی برقرار باشد. این شرایط از این قرارند:

۱- شکل و محتوای گفتگو باید عقلانی - انتقادی^۲ باشد.

۲- در حوزه عمومی تنها درباره موضوعات مدنی مشترک بین شهروندان باید گفتگو شود. و طرح موضوعات خصوصی مجاز نیست.

۳- شرکت کنندگان باید همه تفاوت‌ها و تمایزات میان خود را نادیده بگیرند و همچون افراد برابر در گفتگو مشارکت نمایند.

۴- فرایند گفتگو محدود به شکل‌گیری افکار عمومی است و هرگز نمی‌تواند به تصمیم‌سازی‌های عملی و اداری منتهی شود.

۵- یک حوزه عمومی یکپارچه، که رسیدن به وفاق در آن امکان‌پذیر باشد، همیشه بر تنوع و تعدد حوزه‌های عمومی ترجیح دارد (McCarthy, 1978:77).

اخلاق گفتگو در حوزه عمومی

اعضای حوزه عمومی باید به قواعد خاصی پایبند باشند که رسیدن به «وضعیت آرمانی سخن»^۳ را امکان‌پذیر می‌سازد. این قواعد اخلاق گفتگو را در حوزه عمومی تشکیل می‌دهند:

۱- هر کسی که توانایی سخن گفتن و عمل را داشته باشد حق مشارکت در گفتگو را دارد.

1. Lifeworld.
2. Rational-Critical.
3. Ideal Speech Situation.

- ۲- هر کسی حق دارد که در باره هر موضوع عمومی پرسش کند.
 - هر کسی حق دارد هر موضوعی را در گفتگو مطرح نماید.
 - هر کسی حق دارد که نگرش‌ها، خواسته‌ها و نیازهای خود را بیان کند.
 ۳- هیچ گوینده‌ای نباید به علت اجبار درونی یا بیرونی از اعمال حقوقش در موارد ۱ و ۲ منع گردد (Cavalier, et:al, 1999:88).

از مجموع این مباحث می‌توان به معیارهایی دست یافت که تکامل زندگی سیاسی، دموکراسی مشارکتی^۱ را در حوزه عمومی هابرماس تأمین و تضمین می‌نماید. آزادی از اجبار بیرونی ناشی از سلطه قدرت و ثروت، برابری در گفتگو، دسترسی همگان به اطلاعات، پیروی از معیارهای عقل ارتباطی و مشروعیت نگرش انتقادی از جمله این معیارهاست.

بر این اساس حوزه عمومی فضایی سیاسی است که در آن حقوق افراد به عنوان شهروندان آزاد و برابر به رسمیت شناخته می‌شود و جماعت سیاسی شکل می‌گیرد. از آن جا که ارتباطات افراد در وضعیت آرمانی گفتگو از هر گونه اجبار نهادی رها است، گفتگو در حوزه عمومی می‌تواند به توسعه دموکراتیک در همه سطوح اجتماع منجر شود (Habermas, 1996:245).

از این بررسی مختصر می‌توان دریافت که مفهوم حوزه عمومی را نمی‌توان به سادگی بدون ارجاع آن به چارچوب کلی نظریات هابرماس و ارتباط آن با نظریه کنش ارتباطی، اخلاق گفتگو و وضعیت آرمانی گفتگو دریافت.

ایده حوزه عمومی به عنوان مدل نظری پژوهش در ارتباطات رایانه‌ای و اینترنت

مباحث جدید علمی در رشته‌های سیاست و ارتباطات توجه روزافزونی به تأثیرات بالقوه مثبت یا منفی فن‌آوری‌های ارتباطی نوین به ویژه اینترنت در تحولات سیاسی جوامع نشان می‌دهد. امروزه توجه به این موضوع به سرعت در حال رشد و شکوفایی است و تعداد کتب، مقالات، رساله‌های دانشگاهی و دوره‌های آموزشی که برای پاسخگویی به سؤالات مربوط به نقش اینترنت در سیاست

1. Participatory Democracy.

تألیف و یا تشکیل شده، در حال افزایش است. به رغم توجه پژوهشگران علوم سیاسی، ارتباطات و جامعه‌شناسی به بررسی و مطالعه ابعاد مختلف ارتباطات نوین رایانه‌ای و شبکه اینترنت و استقبال روزافزون از آن‌ها، این مطالعات هنوز در مراحل نخستین خود است. اولین و مهمترین پرسشی که پژوهندگان در این عرصه با آن روبرو شده‌اند این بوده که برای تحقیق و مطالعه در زمینه ارتباطات رایانه‌ای و به ویژه اینترنت کدام یک از رویکردهای نظری، روش‌های مطالعه و ابزارهای مفهومی و مدل‌های تحلیلی مناسب یا مناسب‌تر هستند. آیا رویکردهای نظری و مدل‌ها و روش‌های سنتی به کار گرفته شده است برای مطالعه و تحقیق در باره شبکه‌های رایانه‌ای و فضاهای مجازی نیز قابل استفاده است؟ و در صورتی که پاسخ مثبت باشد کدام یک از رویکردها و مدل‌ها و روش‌ها توانایی بیشتری در این زمینه دارند؟

پاسخ‌های داده شده به این پرسش‌ها تحت تأثیر دو متغیر قرار داشته است؛ تعلق خاطر و وابستگی پژوهشگران به یکی از مکاتب فکری رایج یا رویکردهای سنتی در مطالعات رسانه‌ای و دیگر ویژگی‌های خاص و متمایزکننده ارتباطات رایانه‌ای و اینترنت از رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی سنتی همچون رادیو، تلویزیون و مطبوعات. در حقیقت نقش متغیر دوم در تعیین مسیر مطالعات علمی در سال‌های اخیر در حال افزایش بوده و متغیر نخستین را نیز تحت تأثیر قرار داده است. زیرا نویسندگان وابسته به رویکردهای مختلف نظری را به تلاش و تکاپو برای توسعه مدل‌های مفهومی و روش‌های تحقیق خود به منظور تطبیق آن‌ها با خصوصیات ارتباطات نوین رایانه‌ای واداشته است.

در این زمینه گروهی از پژوهشگران با این اعتقاد که شبکه‌های جدید رایانه‌ای امکان برقرار شدن شیوه‌های نوینی از ارتباطات دوسویه، مستقیم، آزاد و عقلانی را برای مردم پدید آورده‌اند، استفاده از مدل نظری «یورگن هابرماس» در باره «حوزه عمومی» را در تحلیل و مطالعه اینترنت و تارجهان گستر مناسب‌ترین رهیافت تشخیص داده‌اند. حال آن که برخی از محققان این مدل نظری را برای مطالعه ابزارهای نوین ارتباطی نارسا می‌دانند.

«هوارد راینگولد»^۱ یکی از نخستین و معروف‌ترین پژوهشگرانی است که در طی یک دهه اخیر

1. Rheingold Howard.

و در اوایل دهه نود میلادی در نخستین مراحل جهانی شدن شبکه اینترنت به بررسی تأثیرات این شبکه بر زندگی سیاسی پرداخته است. راینگولد که از سال ۱۹۸۵ به عنوان عضو یک «جماعت مجازی»^۱ به برقراری ارتباط روزمره با دیگر اعضای شبکه از طریق «کنفرانس از راه دور»^۲، پست الکترونیک و گروه‌های خبری ویژه می‌پرداخت، نتیجه تجربیات خود را در تدوین نظریه‌ای در باره تأثیرات شبکه اینترنت در تقویت و تحکیم دموکراسی و ایجاد اشکال جدیدی از مشارکت سیاسی شهروندان در یک «حوزه عمومی مجازی»^۳ به کار گرفت.

ایده اصلی کتاب راینگولد که به صورت الکترونیک هم منتشر شده این است که اینترنت شاید عصر جدیدی از دموکراسی مشارکتی و شورایی را در مقام حوزه عمومی سیاسی پدید آورد. وی معتقد است که «جماعات مجازی در حال رشد در اینترنت می‌توانند به شهروندان در احیای ابعاد از دست رفته دموکراسی و ایفای نقش جدی‌تر مردم در فرآیند سیاسی کمک کنند» (Rheingold, 1994:ch, 7). دموکراسی نوین مشارکتی که راینگولد بدان اشاره می‌کند، صورتی از دموکراسی است که برخی آن را آرمانشهری خوانده و به آن «آتن بدون بردگان» لقب داده‌اند. دولتشهر آتنی مدرن به شکل یک جماعت مجازی در اینترنت ظاهر می‌شود. این شبکه نقش «آگورا»ی آتنی را به عهده می‌گیرد که در درون آن شهروندان آزاد به مباحثه در باره امور عمومی جامعه می‌پردازند (Ibid).

راینگولد در کتاب خود ضمن طرح دیدگاه‌های مختلف درباره انواع تأثیرات متقابل ارتباطات رایانه‌ای و سیاست دموکراتیک با کاربرد مدل حوزه عمومی هابرماس بی‌آن که روش‌شناسی دقیقی در کار باشد چنین نتیجه می‌گیرد که فن‌آوری نوین ارتباطی در صورتی که به درستی از جانب شهروندان شناخته و به کار برده شود، دارای پتانسیل دموکراتیک زیادی است؛ همان‌طور که رسانه‌های چاپی قرون گذشته در روند مردم‌سالاری نقش برجسته‌ای ایفا می‌کردند.

کتاب «راینگولد» نقطه عطفی در ادبیات مربوط به روابط میان اینترنت و دموکراسی به شمار

1. Virtual Community.
2. Teleconference.
3. Virtual Public Sphere.

می‌آید زیرا نخستین تحلیل معتبر و شناخته شده است که از ایده حوزه عمومی به عنوان مدلی برای تبیین ارتباط بین این دو پدیده سود برده است. راینگولد مستقیماً درباره مناسب بودن مفهوم حوزه عمومی برای تحقیق در ارتباطات اینترنتی سخنی نمی‌گوید ولی با کاربرد این ایده در تحقیق خود و گرفتن نتایج مثبت از بررسی‌های خود، همانند برخی دیگر از نویسندگان «عملاً» مناسب بودن این مدل را مفروض گرفته است. هر چند برخی از یافته‌های راینگولد همچنان اعتبار خود را حفظ کرده، ولی بسیاری از ایده‌های وی که با بهره‌گیری از تجربیات شخصی او در دوران اولیه رشد و همه‌گیر شدن اینترنت حاصل آمده، اکنون نیازمند بازنگری و نقد و افزودن ابعاد نوظهور ارتباطات رایانه‌ای است. «آلینتا تورنتون»^۱ یکی دیگر از پژوهشگران در زمینه ارتباطات سیاسی است که در بررسی خود با بهره‌گیری از مفهوم حوزه عمومی در صدد پاسخگویی به این پرسش بر آمده که: «آیا اینترنت دموکراسی می‌آفریند؟»

تورنتون همچون راینگولد از مدل نظری هابرماس و تبیین وی از ایده حوزه عمومی استفاده کرده؛ ولی اساس کار خود را نقد و بررسی دیدگاه‌ها و نتایج تحلیل وی قرار داده است. در واقع تورنتون در این که مدل حوزه عمومی در تحلیل و تبیین ارتباطات سیاسی اینترنتی مناسب است، تردیدی ندارد، ولی می‌کوشد تا مفهوم هابرماسی حوزه عمومی را با افزودن ابعاد انتقادی نظریه‌های بعد از هابرماس در باب حوزه عمومی «تکمیل نماید». زیرا به نظر وی «تبیین خاص هابرماس از حوزه عمومی در بررسی ارتباطات سیاسی در اینترنت به اندازه کافی کارایی ندارد». (Thornton, 1996: 9). با آن که تورنتون برخی از نتیجه‌گیرهای راینگولد را درباره تأثیرات دموکراتیک اینترنت نمی‌پذیرد، ولی ضمن پذیرش مبانی آن بحث خود را از سطح نقد این نتایج فراتر می‌برد. وی پس از بررسی دستاوردهای مطالعات تجربی خود درباره نحوه و انواع شیوه‌های برقراری ارتباط در اینترنت اظهار می‌دارد که این شبکه «فرصت‌هایی هر چند محدود برای احیای حوزه عمومی دارد». به نظر تورنتون «این فرصت‌های تازه، محدود به گروه‌های برگزیده و برخوردار اجتماعی است، ولی حداقل

1. Alinta Thornton.

افزایشی در فعالیت‌های مشابه حوزه عمومی در اینترنت قابل مشاهده است.» او تأکید می‌کند «اگر کاربردهای اینترنت به گروه‌های اجتماعی حاشیه‌نشین، کم درآمد و زنان نیز تسری یابد، آن گاه می‌توان گفت که این شبکه امکانی واقعی برای مشارکت وسیع‌تر شهروندان، ارتباطات سیاسی مؤثر و احیای واقعی حوزه عمومی پدید آورده است» (Ibid: 86).

در این نتیجه‌گیری‌ها بسیاری از ابعاد عملکرد واقعی اینترنت لحاظ شده است ولی تورنتون به روشنی معلوم نمی‌کند که اینترنت کدام حوزه‌های زندگی سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این تأثیرات چگونه واقع می‌شود، ضمن آن که بسیاری از محدودیت‌های مشارکت سیاسی از طریق اینترنت بنا به تأکید خود تورنتون امروزه در حال کاهش است.

«دنيس گي نور»^۱ از محققان رشته ارتباطات سياسي دانشگاه «جرج تاون» آمريكا از جمله كساني است كه مفهوم حوزه عمومي را براي مطالعه جامعه‌شناسي در ارتباطات رایانه‌ای و اینترنت كاملاً مناسب می‌داند. وی در تحقیق خود ابعاد مثبت و منفی تأثیرات سیاسی و اجتماعی اینترنت را در نظر گرفته و با اشاره به عوامل مؤثر بیرونی و برخی محدودیت‌های ذاتی شبکه اینترنت در کنار عوامل مثبت و رهایی بخش به این جمع‌بندی می‌رسد که «اینترنت ذاتاً دارای قابلیت آزادی‌بخش حوزه عمومی است ولی عوامل بیرونی و غیرذاتی نظیر منافع صاحبان قدرت در حوزه دولت و بنگاه‌های اقتصادی و صنایع ارتباطات و سرگرمی ممکن است این پتانسیل را تضعیف و محدود کنند» (Gaynor, 1996:77). به اعتقاد «گی نور»، «قدرت‌های مسلط سیاسی و اقتصادی در صدد تحمیل سلطه خود بر اینترنت همانند رسانه‌های سنتی هستند و این امر ایجاد حوزه عمومی واقعی را در اینترنت به چالشی دشوار برای شهروندان مبدل می‌سازد» (Ibid:78). وی تنها راه چیرگی بر این موانع را تشکیل مجامع مجازی گسترده در میان شهروندان در سطوح زیرین جامعه در کنار فعالیت‌های موازی آن‌ها در مجامع واقعی و عینی می‌داند و تأکید می‌کند که «اگر شهروندان در مسیر مشارکت در شبکه‌های مجازی از اصول راهنمای «وضعیت آرمانی گفتار» مطابق با معیارهای بیان شده در نظریات هابرماس پیروی کنند،

1. Denis Gaynor.

دموکراسی جدید و تکامل یافته‌تری شکوفا خواهد شد» (Ibid). در میان جمع محققانی که از مدل حوزه عمومی در بررسی ارتباطات سیاسی در اینترنت بهره گرفته‌اند، «گی نور» از معدود افرادی است که مفهوم حوزه عمومی را در چارچوب کلی نظریه کنش ارتباطی هابرماس مورد توجه قرار داده و آن را با ارجاع به همین کلیت در تحلیل خود به کار بسته است.

«روری اوبراین»^۱ در «جامعه مدنی، حوزه عمومی و اینترنت» با توسل به مفهوم حوزه عمومی به عنوان عنصر اساسی جامعه مدنی که سازمان‌های سیاسی و مدنی متشکل از شهروندان را نمایندگی می‌کند، این سازمان‌ها را در برابر بخش عمومی (دولت) و بخش خصوصی (بنگاه‌های اقتصادی) قرار داده و چنین استدلال می‌کند که «قدرت فزاینده سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی در جوامع سرمایه‌داری موجب کاهش روزافزون مشارکت دموکراتیک شهروندان در امور جامعه شده است» (O'Brien, 1999: 14) به گفته وی «بنگاه‌ها در جهت متمرکز کردن توجه مردم به مصرف‌گرایی از رسانه‌های مدرن به ویژه تلویزیون که رسانه ارتباطی بسیار قدرتمندی است سود می‌برند؛ لذا رسانه‌های رایج عملاً از هر گونه پتانسیل رهایی بخشی و دموکراتیک خالی شده‌اند» (Ibid:19). «اوبراین» ضمن بحث درباره ماهیت و اهمیت حوزه عمومی در زندگی سیاسی بر لزوم توجه به این مفهوم در بررسی سیاسی و اجتماعی اینترنت تأکید می‌کند زیرا «اینترنت می‌تواند مباحثه عمومی را به عنوان موتور محرک دموکراسی احیا کند» (Ibid:23). وی در پژوهش خود با استناد به نمونه‌های متعددی از کاربرد موفقیت‌آمیز اینترنت در ارتباطات سیاسی شهروندان این شبکه را امکانی برای تقویت حوزه عمومی سیاسی می‌شمارد و با تأکید بر لزوم تقویت و توسعه کاربردهای مدنی و سیاسی اینترنت، بزرگترین چالش و خطر در برابر تبدیل این شبکه به حوزه عمومی موفق را تلاش بنگاه‌های بزرگ اقتصادی برای کنترل محتوای ارتباطی شبکه می‌داند. اوبراین در تز خود از نظریات هابرماس و دیگران در باب حوزه عمومی بهره گرفته است تا به عنوان مدل نظری تحقیق از آن برای ارزیابی قابلیت‌های ارتباطی اینترنت در تکامل بخشیدن به روند دموکراتیک سود جوید. دریافت‌های «اوبراین» درباره تأثیرات رهایی‌بخشی اینترنت در

1. Rory O,brein.

جامعه مدنی بی شک جالب توجه است، لیکن وی با برداشتی سردستی و کلی از مفهوم حوزه عمومی که دقت کافی ندارد به نتایجی کاملاً مثبت و شاید ایده آلیستی درباره قابلیت‌های سیاسی اینترنت رسیده که این موضوع نه تنها ضعف بینش انتقادی به موضوع را بیان، بلکه از آسان‌گیری وی در روش‌شناسی حکایت می‌کند. به علاوه او بر این در تحقیق خود توجه چندانی به اهمیت نقشی که قدرت سیاسی می‌تواند در کنترل و محدود کردن نقش ارتباطی اینترنت در جامعه مدنی ایفا کند نشان نداده است.

اما بر خلاف دیدگاه‌های خوش‌بینانه نویسنده گاهی چون «راینگولد»، «اوبراین» و «گی‌نور»، «مارک پوستر»^۱ دانشمند استرالیایی مقیم آمریکا که از سال‌ها پیش در زمینه تعاملات فن‌آوری دیجیتال با روندهای اجتماعی و سیاسی سرگرم پژوهش و آموزش است، در سال ۱۹۹۹ در «مقاله‌ای درباره سایبردموکراسی» نوشت: «ایده هابرماسی حوزه عمومی را در مطالعه اینترنت باید کنار گذاشت، زیرا اینترنت به گونه‌ای سیستماتیک نافی این فرض است که فضایی مناسب برای احیای حوزه عمومی است» (Poster, 1999:11).

پوستر پیشتر در تحقیقات اولیه خود اتخاذ رهیافتی تازه در مطالعه دموکراسی را با توجه به ظهور شبکه اینترنت ضروری دانسته، در عین حال مفهوم حوزه عمومی را «قلب و محور صورت‌بندی نظری تازه‌ای درباره دموکراسی» (Ibid:18) معرفی کرده بود، لیکن در نوشته‌های اخیرش کاربرد مفهوم حوزه عمومی را در مطالعه اینترنت نارسا خوانده و خواستار رها کردن آن است. پوستر در بیان دیدگاه خود با توسل به نوعی استعاره می‌نویسد: «اینترنت صرفاً ابزاری چون چکش نیست که انسان‌ها هر گونه که بخواهند از آن استفاده کنند، بلکه همچون «آلمان» یک فضای فرهنگی است که می‌تواند افراد را به عنوان موضوع و هدف ذهنی و روانی خود تحت تأثیر قرار دهد.» (Ibid:22).

به عقیده پوستر مدرنیست‌ها تصور می‌کنند که اینترنت ابزاری بیش نیست ولی چنین نیست و نمی‌توان گفت که ارتباطات رایانه‌ای به ویژه اینترنت فن‌آوری‌های خنثی و بی‌طرفی هستند. وی در نتیجه‌گیری از بحث خود می‌نویسد: «سؤال مهمی که در مطالعه اینترنت باید پرسید این است که آیا

1. Markposter.

انواع جدیدی از روابط در درون شبکه اینترنت پدید آمده یا خواهد آمد که موجب ظهور اشکال تازه‌ای از قدرت سیاسی بین افراد در حال ارتباط گردد؟» (Ibid).

همچنین «اما روکسبای»^۱ یکی از محققان جامعه‌شناسی ارتباطات در مقاله «دموکراسی به میانجی‌گری رایانه؟» (۱۹۹۷) همصدا با پوستر هرگونه امکان عملکرد شبکه اینترنت را به عنوان حوزه عمومی نفی می‌کند. وی ضمن رد دیدگاه‌های گروهی از پژوهشگران که آن‌ها را «ناکجا آبادگرایان»^۲ می‌نامد، امکان کاربرد نظریه هابرماس در باره حوزه عمومی برای مطالعه ارتباطات سیاسی در اینترنت را ممتنع ارزیابی می‌کند و با اشاره به مشاهدات و برداشت‌های خود از ارتباط میان فردی در این شبکه تأکید می‌کند که اولاً «مدل هابرماسی حوزه عمومی برای تحلیل و فهم این نوع ارتباطات کارآیی ندارد» و ثانیاً «مسئله هویت افراد و تصمیم‌سازی گروهی در اینترنت حل نشدنی است و لذا فضای لازم برای مباحثه جدی و رویارو میان شهروندان چنان که در شرایط واقعی صورت می‌گیرد در وضعیت مجازی وجود ندارد» (Rooksby, 1997:44).

«اندرو آویس»^۳ پژوهشگر کانادایی رساله فوق‌لیسانس خود در دانشگاه کالگری^۴ را در سال ۱۹۹۵ به بررسی نقش جماعات مجازی جدید در روندهای دموکراتیک که بر اثر توسعه شبکه اینترنت شکل گرفته است اختصاص داد.

آویس به مقولاتی چون مشارکت سیاسی، دسترسی به آموزش‌های اجتماعی و تکامل مجامع مجازی در اینترنت در تحقیق خود توجه و نقش سیاست‌گذاری دولتی را در شکل‌گیری و نحوه عملکرد جماعات مجازی متشکل از شهروندان مرتبط در شبکه، بررسی کرده است.

مدل نظری پژوهش آویس هم از تحلیل‌های هابرماس درباره حوزه عمومی اخذ شده است، ولی نکته جالب توجه در این پژوهش این است که «آویس» بر خلاف اکثر محققان که با استناد به نظریه

1. Emma Rooksby.
2. Utopist.
3. Andrew Avis.
4. Calgary.

هابرماس کنترل و سياست گذاري دولتي و متمرکز را تهديدی برای ارتباطات آزاد و دموکراتیک در اينترنت می داند، معتقد است که «سياست های دولتي در کانادا به حفظ و ارتقای فضای مباحثه و تقويت مشارکت مدني و سياسي در جامعه از طريق اينترنت کمک کرده است» (Avis, 1995, ch 3:46) وی در نتیجه گیری از مباحث خود ضمن ارائه نتایج دو مطالعه موردی درباره جماعات مجازی در کانادا و آمریکا، بر توانمندی شبکه اينترنت برای پیشبرد ایده های دموکراتیک از طریق رشد جماعات مجازی تأکید و پیش بینی می کند که «در آینده پتانسیل های اينترنت برای تقويت مبانی حوزه عمومی آشکارتر خواهد شد». وی همچنین معتقد است که «این جماعات و گروه های اجتماعی و سياسي هستند که میزان توانایی اينترنت را به عنوان حوزه عمومی آینده تعیین می کنند نه برعکس» (Ibid).

در بحث های آویس تناقضی به چشم می خورد زیرا وی به رغم کاربرد مدل نظری هابرماس هیچ گونه تضادی میان سياست گذاري دولتي و کنترل متمرکز با عملکرد اينترنت در جایگاه حوزه عمومی قائل نیست؛ بلکه برعکس، این امر را برای ایفای نقش دموکراتیک شبکه سودمند و حتی ضروری می داند، در صورتی که هابرماس حوزه عمومی را متعلق به زیست جهان دانسته و مداخله دولت و بوروکراسی در این حوزه را عامل مستعمره شدن زیست جهان و افول حوزه عمومی می خواند.

یکی از کارهای مطالعاتی که به شیوه ای محدود ولی روشمندتر از مدل نظری هابرماس در زمینه حوزه عمومی را برای مطالعه اينترنت سودمند یافته، تحقیقی است که توسط «س. اشنايدر»^۱ عرضه شده است. اشنايدر در مقاله «ایجاد حوزه عمومی دموکراتیک از راه مباحثه سياسي»^۲ کوشید تا عملکرد زیر شبکه^۳ ارتباطی رایانه ای «یوزنت»^۳ را در طی یک سال بررسی و میزان تطابق آن با معیارهای مدل حوزه عمومی را ارزیابی نماید. وی از میان موضوعات مختلفی که در مباحثات گروه های خبری یوزنت جریان داشته مباحثه کاربران اينترنت درباره سقط جنین را مورد بررسی قرار داد. روش کار تحقیق عمدتاً توصیفی - تجربی بود ولی هدف اصلی وی آن بود که از این طریق «پتانسیل رهایی بخش اينترنت را به

1. S. Schneider.
2. Subnet.
3. Usenet.

عنوان حوزه عمومی اریایی کند» (Schneider, 1996:3). توجه خاص شما در این سنجش معطوف به میزان مشارکت اعضای شبکه و میزان آزادی آنان در گفتگوهای جمعی بود. شما در بررسی خود چنین نتیجه گرفت که «نابرابری آشکاری در نرخ مشارکت در یوزنت وجود دارد» (Ibid). اما این نتیجه گیری به واسطه فقدان آگاهی از پیشینه شرکت کنندگان و حذف محتوای واقعی مباحثات هم دقت کافی ندارد و هم دامنه آن محدود شده است. علاوه بر این شما در چندان موفقیتی در تطبیق معیارهای حوزه عمومی با عملکرد گروه‌های مباحثه به دست نیاورده است.

ویژگی ارتباطی حوزه عمومی تنها خصوصییتی است که وی در تحلیل خود به آن پرداخته و از ابعاد کنشی و تعاملی حوزه غفلت ورزیده. همچنین شما در وجه ارتباطی را نیز در محدودترین شکل آن ارزیابی کرده است، بنابر این آن چه وی از آن به عنوان مدل حوزه عمومی یاد می کند شباهت اندکی با مفهوم هابرماسی آن دارد.

اما «ایرنه وارد»^۱ در مقاله پژوهشی «چگونه می توانیم دموکراتیک شویم: اینترنت، حوزه عمومی و گفتگوی جمعی» در سال ۱۹۹۷، به عکس شما، وجه تعاملی رابطه شهروندان و دولت در اینترنت را در کانون توجه خود قرار داد. او این پرسش را مطرح کرد که «آیا شبکه اینترنت می تواند ابزاری برای افراد خصوصی باشد تا با استفاده از آن بر دولت و قدرت سیاسی نفوذی دموکراتیک اعمال کنند؟» برای پاسخ گویی به این سؤال، «وارد» از تبیین هابرماس درباره چگونگی ظهور و رشد حوزه عمومی بورژوازی اروپایی بهره گرفت و در مقاله خود ضمن یادآوری این که «هر گونه فن آوری دارای محدودیت‌های مادی و اقتصادی است»، تأکید کرد که اینترنت نیز چنین است و «ذاتاً شبکه‌ای برابری‌زا و رهایی‌بخش نیست» (Ward, 1997:27) (31) با این تأکید وارد خود را در زمره کسانی قرار می دهد که اعتقادی به جبر تکنوکراتیک ندارند و از موضعی اختیارگرایانه به فن آوری می نگرند.

در جریان بحث و در تلاش برای تبیین فضای عمومی که اینترنت برای مباحثات شهروندان ایجاد می کند، وارد به بررسی و تحلیل امکانات این فضای عمومی برای تقویت برابری اجتماعی، سیاسی و

1. Irene Ward.

اقتصادی شرکت کنندگان، ظهور عرصه‌های جدید بحث عمومی و میزان دسترسی مردم به شبکه می‌پردازد، زیرا به نظر وی این سه موضوع معیارهای اساسی حوزه عمومی هستند که در نظریات هابرماس ذکر شده‌اند.

چنین به نظر می‌رسد که وارد در تحلیل خود به جمع‌بندی مشخص و قاطعی دست نیافته است. وارد در نتیجه‌گیری‌های خود، ارتباط مردم از طریق شبکه‌های الکترونیک و تبادل اطلاعات میان آن‌ها را مثبت ارزیابی می‌کند، اما می‌گوید که «این امور لزوماً به مردم سالاری بیشتر نمی‌انجامد» (Ibid:49)، اگر چه این بیان با جریان و روند کلی مباحث تحقیق وی سازگاری ندارد و نتیجه منطقی بررسی‌های وی به شمار نمی‌آید. ویژگی تحلیل وارد این است که وی مدل حوزه عمومی را بیشتر از منظر تحول تاریخی آن مد نظر قرار داده است. وارد در این باره که اینترنت را می‌توان به کمک مدل حوزه عمومی بررسی کرد، تردید و با بیان محدودیت‌های مادی و فنی و حضور منافع خصوصی در این شبکه تلویحاً مدل حوزه عمومی را برای بررسی اینترنت نارسا ارزیابی می‌کند.

«چارلز اس»^۱ یکی دیگر از پژوهشگران در کتاب خود به نام «دموکراسی سیاسی رایانه‌ای: ارتباطات رایانه‌ای و هابرماس» (۱۹۹۶) به بررسی ارتباطات میان افراد در درون زیر شبکه‌های اینترنتی موسوم به «Moo»^۲ پرداخته است. وی با تأکید بر ماهیت آزادانه و اختیاری مشارکت افراد در این شبکه‌ها می‌نویسد: «این گونه مشارکت‌ها پتانسیل‌های دموکراتیک اینترنت را در مقام حوزه عمومی افزایش می‌دهد» (Ess, 1996a:56).

«اس» شیوه‌های مباحثه و تصمیم‌سازی گروهی در شبکه را در شکل تعاملات انسانی مشابه با همان شیوه‌هایی می‌یابد که افراد در زندگی روزمره بدان می‌پردازند. به عقیده وی شبکه‌های رایانه‌ای عرصه‌های واقعاً دموکراتیکی برای مباحثه «متنی»^۳ هستند و امکان حضور بدون تبعیض همگان، این قابلیت را تقویت می‌کند. لذا با گذشت زمان و رفع محدودیت‌های ارتباطی در اینترنت و زیر

1. Charls Ess.

2. Multy Object Oriented (Multilateral game program).

3. Textual.

شبکه‌های آن ظهور حوزه عمومی سیاسی کارآمد و جدیدی را در اینترنت می‌توان انتظار داشت» (Ibid:24). اما این دیدگاه وی که بیشتر رنگ فلسفی دارد و بیانگر موضعی آرمانشهری در قبال اینترنت است، از جانب نویسندگانی که ارتباطات در فضاهای مجازی را برای ارتقا دموکراسی کافی نمی‌دانند تا حد زیادی خوش‌بینانه ارزیابی شده است.

یک پژوهشگر فنلاندی به نام «توماس هاگ»^۱ در مقاله‌ای تحقیقی با عنوان «آیا تکانه رایانه‌ای دموکراسی را به حرکت درمی‌آورد؟» (۱۹۹۷) تأثیرات سیاسی ارتباطات اینترنتی را در تحریک روندهای مشارکت و بسیج سیاسی شهروندان بررسی کرده است. وی با مطالعه موردی رقابت احزاب سیاسی نروژ در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۷ کوشیده تا پاسخ سؤالی را که عنوان مقاله‌اش قرار داده است، بیابد.

هاگ انواع رفتارها و فعالیت‌های شهروندان و احزاب سیاسی نروژ را در عرصه مبارزات سیاسی چه از لحاظ دسترسی آنان به اطلاعات سیاسی و چه از نظر مباحثه میان شهروندان با یکدیگر و با نمایندگان احزاب مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و در این مسیر مدل نظری خود را از هابرماس اقتباس نموده است. وی با اشاره به تناسب قابل قبول مفهوم حوزه عمومی هابرماس با تحقیق در ارتباطات سیاسی در اینترنت می‌نویسد: «وجود معیارهایی چون آزادی و برابری شهروندان در گفتگوی مدنی برای دسترسی به اطلاعات و کاربرد آن در بهبود حیات اجتماعی در مدل حوزه عمومی ابزار تحلیلی و تبیینی کارآمدی در تحقیقات ارتباطات رایانه‌ای است» (Hug, 1997:22). وی چنین نتیجه گرفته است که «شهروندان از اینترنت برای گفتگوی متقابل و عمومی درباره مسائل سیاسی در حد مقبول استفاده کرده‌اند و اطلاعات سیاسی لازم نیز در حد قابل توجهی در دسترس آن‌ها بوده است» (Ibid). هاگ چنین برداشت می‌کند که «اینترنت راه‌های تازه و مختلفی برای فعالیت سیاسی مردم و مشارکت آنان در فرآیندهای سیاسی ارائه می‌کند؛ اگر چه دموکراسی همچنان در جهان واقعی و نه در فضای مجازی رایانه‌ای جریان دارد» (Ibid:39).

1. Thomas Hug.

«استیون کلیفت»^۱ از پایه گذاران یک جماعت مجازی در اینترنت در کتاب «دموکراسی های آن - لاین» می نویسد: «دموکراتیک ترین جنبه اینترنت فرصتی است که این شبکه برای مردم فراهم می سازد تا در چارچوب گروه هایی که در فضاهای مجازی تشکیل می دهند، خود را سازماندهی کنند و به عمل سیاسی جمعی و مشترک دست بزنند» (Clift, 1998:13). در سال ۱۹۹۹ کلیفت در مقاله ای با عنوان «آگورای کابلی، مشارکت شهروندی» نتایج یک مطالعه موردی درباره میزان و نوع مشارکت شهروندان در روندهای دموکراتیک و چگونگی طرح مباحث سیاسی و اجتماعی در جماعت مجازی «دموکراسی الکترونیک مینه سوتا»^۲ را منتشر کرد. در این کار تحقیقی، کلیفت با تأکید بر نظریات قبلی خود دو عامل، یکی جدایی شهروندان از دولت و سیاستمداران و دیگر جدایی خود شهروندان از یکدیگر را از نقاط ضعف دموکراسی های کنونی به شمار آورد. به عقیده او «در میان دو حوزه دولتی و خصوصی فضایی لازم است تا در آن شهروندان بتوانند هم با قدرت سیاسی در ارتباط مستقیم بوده، آن را کنترل کنند و هم با یکدیگر ارتباطی مؤثر و دائمی داشته باشند» (Ibid:14). با چنین مقدماتی طبیعی است که کلیفت مدل حوزه عمومی را مناسب ترین مدل در تبیین ابعاد و تأثیرات سیاسی و اجتماعی اینترنت به شمار آورد. کلیفت که این چنین فضایی را به پیروی از الگوی مفهومی هابرماس درباره حوزه عمومی مطرح ساخته است، به پیروی از هابرماس تأکید می ورزد که در دموکراسی های امروزی چنین فضایی یا وجود ندارد و یا بسیار محدود شده است. به نظر او «اینترنت با ایجاد امکان تشکل شهروندان در جماعات مجازی چنین فضایی را در دسترس آن ها قرار می دهد؛ فضایی که دارای خصوصیات حوزه عمومی است» و کلیفت آن را فضای «تعامل عمومی»^۳ و «آگورای آن - لاین» نام نهاده است» (Ibid:32).

«جان. ب. تامپسون»^۴ (۱۹۹۶) معتقد است که فهم و دریافت رضایت بخش سیاست در دنیای

1. Steren Clift.
2. Minnessota E-Democracy.
3. Public Interaction.
4. John B. Thompson.

مدرن با توسل به مفهوم «عمومیت»^۱ امکان‌پذیر نیست. وی در نقد تئوری هابرماس در باره حوزه عمومی و مناسب بودن آن برای مطالعه ارتباطات سیاسی رایانه‌ای می‌نویسد: «هابرماس با تأکید بر مفهوم سنتی عمومیت به عنوان حضور همزمان مردم در یک فضای گفتگویی خود را از درک اشکال جدید عمومیت که رسانه‌های جدید به وجود آورده‌اند محروم کرده است. وی این رسانه‌ها را از دریچه مدل سنتی عمومیت می‌بیند، حال آن که این مفهوم سنتی حوزه عمومی جای خود را به اشکال تازه‌ای داده است.» (Thompson, 1996:34).

«دیوید هلمز»^۲ با استناد به این نظر تامپسون و با اشاره به دیدگاه‌های جدیدتر به ویژه نظریات منتقدان هابرماس در بحث حوزه عمومی؛ وجه دیگری از نظریات هابرماس را زیر سؤال می‌برد و می‌نویسد: «ارتباطات رایانه‌ای جدید همچون رسانه‌های سنتی (روزنامه، رادیو، تلویزیون) محدود به مرزهای ملی نیستند؛ به همین دلیل سؤالاتی درباره رابطه حوزه عمومی با «دولت - ملت»^۳ مطرح می‌شود. از جمله این که آیا ما فقط با یک حوزه عمومی در شبکه‌های رایانه‌ای سر و کار داریم یا حوزه‌های عملی متعدد؟» (Holms, 1997:18).

هلمز همچنین با رجوع به مفاهیم بدیل حوزه عمومی که توسط منتقدان هابرماس و دیگران عرضه شده «نگت و کلوگه»^۴ (۱۹۹۳) ریتافلسکی^۵ (۱۹۸۹) و نانسی فریزر^۶ (۱۹۹۰) تأکید می‌کند که «وجه تمایز این نظریات بدیل درباره حوزه عمومی این است که همگی آن‌ها وحدت و یکپارچگی حوزه عمومی را که در نظرات هابرماس وجود دارد نفی می‌کنند» (Ibid:19).

نتیجه‌ای که هلمز از بررسی خود گرفته، نه تنها نافی فرض ایفای نقش اینترنت به عنوان حوزه عمومی است، بلکه همچنین کاربرد این مدل نظری را برای تحلیل شبکه مردود می‌شمارد «زیرا قبول

1. Publicity.
2. David Holms.
3. Nation-State.
4. Negt & Kloge.
5. Rita Felsky.
6. Nancy Fraser.

این که حوزه‌های عمومی جداگانه و رقیب وجود دارند مفروضاتی چون دستیابی به مشارکت و هماهنگی سیاسی و اجتماعی بین شهروندان را هم در جهان واقعی و هم در ارتباطات رایانه‌ای و فضاهای مجازی آن غیرممکن می‌سازد» (Ibid:29).

اگر چه مطالعات مربوط به تأثیرات سیاسی اینترنت بر اساس مدل حوزه عمومی عمدتاً کشورهای صنعتی پیشرفته را در کانون توجه خود قرار داده است لیکن توجه به این مقوله در کشورها و مناطق دیگر جهان نیز در حال افزایش است. یکی از نمونه‌های این روند پروژه‌های تحقیقاتی با عنوان رسانه‌ها و بازسازی حوزه عمومی در جهان عربی - اسلامی است که بخشی از آن به نام «جهاد دیجیتال و دموکراسی مجازی: شبکه‌سازی سایبرنتیک در جهان عربی - اسلامی» توسط یکی از پژوهشگران آلمانی به نام «آلبرخت هوف‌هاینس»^۱ از دانشگاه هامبورگ هدایت می‌شود.

این پروژه فعالیت سه نوع از مجامع اینترنتی یعنی گروه‌های اسلامی، گروه‌های سکولار و گروه‌های فرهنگی - مدنی غیر سیاسی را در سه کشور مصر و سودان و مراکش مورد بررسی قرار داده و هدف آن ارزیابی میزان و نحوه تأثیرگذاری ارتباطات مجازی شهروندان کشورهای یاد شده بر زندگی سیاسی واقعی آن‌ها است. برخلاف برخی دیدگاه‌های رایج که مفهوم حوزه عمومی را مفهومی صرفاً متعلق به تاریخ و سنت تفکر سیاسی و فلسفی غرب می‌دانند و جوامع در حال توسعه را فاقد حوزه عمومی واقعی می‌خوانند. در این کار پژوهشی ایده هابرماسی حوزه عمومی در شکل تعمیم یافته آن ابزار تحلیلی توانایی تلقی شده است. هوف‌هاینس معتقد است که «با انتزاع نمودن ابعاد نظری و مفهومی حوزه عمومی هابرماس از ابعادی که اشاره به ویژگی‌های زمانی و مکانی تاریخ و فرهنگ اروپایی دارد می‌توان به مدلی رضایت بخش از حوزه عمومی برای بررسی فرآیندهای سیاسی در همه جوامع دست یافت.» (Hofheinz on-line project, 2000).

فرضیه این طرح تحقیقاتی این است که «تأثیر اینترنت بر حوزه عمومی سیاسی در کشورهای موضوع تحقیق تأثیری دیالکتیکی است یعنی از یک سو وابستگی افراد را به مراجع سنتی قدرت کاهش داده و

1. Albrecht Hofheinz.

قدرت شهروندان را در اتخاذ موضعی آگاهانه‌تر در برابر این مراجع افزایش می‌دهد و از سوی دیگر این روند در چارچوب همان الگوهای سیستم فرهنگی حاکم و نابرابری قدرت جریان می‌یابد» (Ibid).

همچنین رساله دکتری «کیم بنگ فار»^۱ در رشته حقوق و دیپلماسی از جمله معدود پژوهش‌های جدید راجع به تأثیرات سیاسی اینترنت در زندگی سیاسی برخی ملل آسیایی است. فار در رساله خود در پی پاسخگویی به این پرسش است که آیا اینترنت می‌تواند سیاست و جامعه را در کشورهای شرق و جنوب آسیا از جمله چین تغییر دهد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، این تغییر در چه جهتی و تا چه حدی خواهد بود؟

فار با بررسی ویژگی‌های شبکه اینترنت نظیر محو فاصله‌های جغرافیایی، کاهش روزافزون هزینه‌های دسترسی و ارتباط در شبکه و ارائه امکانی جدید برای تشکیل گروه‌های مجازی جهت فعالیت آن - لاین می‌نویسد: «اینترنت در کشورهای آسیایی تاکنون آثار اقتصادی مثبتی از خود بر جای گذاشته است ولی در زمینه سیاسی میزان تأثیر آن تنها با گذشت زمان مشخص خواهد شد.» (Phar:13). به عقیده فار «اینترنت قدرت جبری ندارد بنابر این نمی‌تواند تأثیر سیاسی مستقیم و قائم به ذات بر سیاست داشته باشد ولی توان آن برای تغییر ارزش‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، و امکاناتی که برای عمل سیاسی و تشکل شهروندان و گروه‌های مختلف مدنی و سیاسی در اختیارشان می‌گذارد، راه را برای تغییر باز خواهد کرد» (Ibid:15). با وجود این، فار با تأکید بر اولویت توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی در اکثر کشورهای آسیایی که مردم آن‌ها از فقر و فساد در رنج هستند، می‌نویسد: «پیش‌بینی می‌شود تأثیر اینترنت در کشورهای آسیایی در حال توسعه، تا آینده عمدتاً اقتصادی خواهد بود» (Ibid:16).

در پایان این مرور کلی و مختصر ادبیات موجود در زمینه موضوع این پژوهش، یادآوری این نکته خالی از فایده نخواهد بود که تعداد کتاب‌ها، مقالات، رساله‌ها و دیگر آثار منتشر شده در این باره بسی بیش از آن است که در این بررسی به آن‌ها اشاره شد، اما کوشش نگارنده صرف مرور آثاری شده است که اولاً از لحاظ علمی و آکادمیک دارای معیارهای مورد قبول جامعه علمی باشند، ثانیاً توانایی

1. Kim Beng Phar.

نظریه حوزه عمومی در تحلیل ابعاد و تأثیرات سیاسی، اجتماعی شبکه اینترنت را ارزیابی و ثالثاً با ارجاع به مفهوم حوزه عمومی ابعاد و تأثیرات سیاسی و اجتماعی اینترنت را بررسی کرده باشند.

نتیجه گیری

از مجموع مباحث ارائه شده می توان دریافت که مطالعه درباره اینترنت، سیاست، مردم سالاری و توسعه سیاسی جریانی بسیار سرزنده و فعال است و شاید بتوان گفت که از فعال ترین حوزه های تحقیق و مطالعه در ارتباطات سیاسی به شمار می آید. در این حوزه مطالعاتی تعداد روزافزونی از پژوهشگران اینترنت را با توجه به ویژگی هایی چون تعاملی بودن، همزمان بودن ارتباط، همه جایی بودن، فقدان کنترل مرکزی، فقدان مالکیت بر شبکه و سانسور گریزی، فضای مناسبی برای احیای ابعاد از دست رفته مشارکت سیاسی و دموکراسی در جوامع پیشرفته و تقویت مردم سالاری جوان در جوامع در حال توسعه می دانند. ویژگی های اینترنت احتمالاً بسیاری از شرایط لازم برای ایجاد حوزه عمومی در فضای سایبرنتیک را دربر دارد و این موضوعی است که بسیاری از نویسندگان آن را تأیید کرده اند؛ هر چند این پذیرش مشروط به شرایط خاص مورد نظر هر یک از محققان بوده است. به نظر می رسد که مفهوم حوزه عمومی مدل نظری مناسب و کار آیی برای مطالعه ابعاد و آثار سیاسی و اجتماعی اینترنت باشد، ولی این گونه مطالعات بدون در نظر گرفتن چارچوب کلی تئوری کنش ارتباطی و تمایز زیست جهان و سیستم در نظریه جامعه شناسی هابرماس توانایی زیادی نخواهد داشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پالمر، مونتی و دیگران (۱۳۶۷) نگرشی جدید به علم سیاست، ترجمه منوچهر شجاعی تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

Avis, Andrew (1995) *Public Spaces on the Information Highway: The Role of Community Networks*. Diss. The University of Calgary, Last visited, 19Mar. 2002

At: <http://www.ucalgary.ca/UofC/faculties/GNST/theses/avis/thesis.html>

Clift, Steven (1999) "A Wired Agora Minneapolis, Citizen Participation, the Internet and Squirrels"

At: <http://www.Publicus.net/present/agora.html>. last visited: 2 april 2002

Clift, Steven (1998) *E-Democracy, E-Book: Democracy is on-line*

At: <http://www.Publicus.net/ebook/> last visited: 21march 2002

Ess, Charles (1996) (Ed.), *Philosophical perspectives on Computer-Mediated Communication*. Albany, NY: State University of New York Press

Gaynor. Denis (1992) *Concluding Remarks*, "in *Habermas and the Public Sphere*. ed. By: Calhoun, Craig Cambridge, Mass: MIT Press

Gaynor. Denis (1996) "Democracy in the Age of Information: A Reconceptation of the Public Sphere"

At: <http://www.georgetown.edu/bassr/gaynor/htm>. last visited: 16, february 2002

Gaynor. Denis (1979) *Concluding Remarks*, in *Habermas and the public Sphere*. ed. By: Calhoun, Craig Cambridge Mass: MIT Press

Habermas, Jurgen (1979) *Communication and the Evolution of Society*. Trans, Thomas McCarthy, Boston: Beacon Press

Habermas, Jurgen (1992) "Further Reflections on the Public Sphere". In C, Calhoun (Ed.), *Habermas and the Public sphere*, Cambridge, MA: MIT Press

Habermas, Jurgen (1989) *The Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry Into a Category of Bourgeois Society* (1989) Trans, Thomas Burger & F, Lawrence.

- Cambridge: The MITP
- Hofheinz, Albrecht (2000) "Digital Jihad and Virtual Democracy: cybernetworking in the Arabic-Islamic World"
- At: <http://195.37.93.199/Projekte2000/Medieneng.htm>.last visited:5 Apr.2002
- Holme, David (1998) "Transformations in the Mediation of Publicness": Communicative Interaction in the Network Society, JCMC, Volume 7, Issue 2
- Holme, David (1997) "Communities of broadcast, communities of interactivity". In D. Holmes (Ed.), *Virtual politics: Identity and community in cyberspace*. London: Sage Publications
- Hug, Thomas (1997) *Can computer shocks activate democracy?* Diss. Mastergrade Society, Science and Technology in Europe (ESST)
- Hunter Christopher, D. (1998) "The Internet and the Public Sphere: Revitalization or Decay?" Annenberg School for Communication, University of Pennsylvania
- At: [http://www.asc.upenn.edu/usr/chunter/last visitd:11 feb. 2002](http://www.asc.upenn.edu/usr/chunter/last%20visitd:11%20feb.%202002)
- Lake, Adam (May 1995) "How Computers Affect Our Future?" ACM Crossroads Magazine
- McCarthy, T. (1978) *The Critical Theory of Jurgen Habermas*. Cambridge, MA: The MIT press
- Muskerji, C. and Simon, B. (1998) "Out of the Limelight: Discredited Communities and Informal Communication on the Internet". *Sociological Inquiry* vol. 68, no. 2
- Navasky, Victor. S. (1998) "Scoping out Habermas" In: *Media Democracy*, Dennis, E.E, and Snyder, R.W. (Eds.) New Brunswick, NJ: Transaction Publishers
- Negt, O. & Kluge, A. (1993) *Public sphere and experience: Toward an analysis of the bourgeois and proletarian Public sphere*, Trans. P. Labanyi et al. Minneapolis: University of Minnesota press
- O'Brien, Rory (1998) "The Social Investment Community and Its Communications Venues

At: <http://www.web.net/~robrien/papers/sri/sripaperindex.html>.last visited: 22 feb. 2002

O'Brien, Rory "Civil Society (1999) the Public Sphere and the Internet"

At: <http://www.web.net/~robrien/papers/sri/sripaperindex.html>.last visited: 22 feb. 2002

Outhwaite, w. (1994) *Habermas: A Critical Introduction*. Stanford, CA: Stanford

University press

Phar, Kim. brng (February, 2000) *Cyberpolitics: Impact on and Implications for Asia*. Diss,

Fletcher School of Law and Diplomacy

At: <http://www.iir.ubc.ca/cancaps/cyberpol.html>

Poster, Mark (1997) "Cyberdemocracy: The Internet and the Public sphere". In D. Holmes

(Ed.), *Virtual politics: Identity and community in cyberspace*. London: Sage

Publications

At: <http://www.hnet.uci.edu/mposter/writings/democ.html>, 27 september 2001

Poster, Mark "The Net as a Public Sphere," In: *communication in History: Technolog,*

Culture, Society. Third edition, London: Longman

Pusey, Michael (1987) *Jurgen Habermas*. London: Tavistock

Rheingold, Howard (1998) "The Virtual Community: (E-Book) Chapter 10:

Disinformocracy"

At: <http://www.well.com/user/hlr/vcbook/vcbook 10. html>, last visited: 27 April

Pusey, Michael (1993) *The Virtual Community: Homesteading on the Electronic Frontier,*

Reading, MA: Addison-Wesley

Rooksby Emma (1997) "Computer-mediated democracy? (Women on the Verge)", *New*

Technology Conference. University of Perth, Australia

At: <http://www.imago.com.au/wov/papers/demo.htm>.last visited: 14 feb. 2002

Schneider, S. (1996) "Creating a Democratic Public Sphere Through Political Discussion",

Social Science Computer Review. Vol. 14, no 4

Thompson, John. B. (1997) "The Theory of the Public Sphere" In: *Approaches to Media: A*

Reader, London: Arnold

Thompson, John. B. (1993) *The Theory of the Public Sphere*. Theory, Culture and Society, Vol.10

Thornton, Alinta () *Does Internet Create Democracy?* Diss: University of Technology, Sydney

At: <http://www.wr.com.au/democracy/thesis2.htm> Originally created October 1996. Updated: 26 March, 2000

Velibeyoglu Koray (June 1999) *Public Realm in the Information Age*. Diss. For Ph.D Cadidate At: Izmir Institute of Technology

At: <http://slashdot.org/askslashdot/00/03/05/2316208.shtml>

Ward, I. (1997) "How Democratic Can We Get?: The Internet, the Public Sphere, and Public Discourse" JAC: A Journal of Composition Theory, vol. 17, no.3

